

بررسی حق العمل کاری و جایگاه واسطه های خدمات تجاری

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۶/۰۳)

زهرا عباسی

چکیده

در عصر حاضر، ابهام در تعریف ماهیت واسطه های خدمات تجاری به ویژه با توسعه مبادلات و پیچیدگی روابط تجاری، زمینه ای برای بحث و اختلاف نظر در ادبیات حقوقی فراهم آورده است. واسطه های تجاری، نقش تعیین کننده ای در تسهیل و تسريع معاملات ایفا می کنند و، با توجه به شباهت های مفهومی و کارکردی میان دلالی و حق العمل کاری، مرز دقیق میان این نهادها همواره مورد پرسش و چالش قرار گرفته است. عرف حقوقی، هر دو نهاد را ذیل واسطه های خدماتی تجاری می داند و نهاد دلالی را، به ویژه در پرتو افزایش حجم معاملات و توسعه بازارها، واجد جایگاه مهمی می شمارد. با وجود اهمیت عملی، در فقه امامیه، دلالی عنوان یک عقد مستقل نیافته و بیشتر در قالب عقود اجاره، جعاله، وکالت و حتی بیع مورد بررسی قرار گرفته است. در نظام حقوقی ایران نیز هرچند مقرراتی مستقل، از جمله در قانون تجارت و درباره مصادیق مانند کارگزاری بورس، بیمه، املاک و اتومبیل وضع شده، اما در مقام تحلیل ماهوی، دلالی نوعی وکالت مقید به تحقق نتیجه قلمداد می گردد و استقلال کامل از نهاد وکالت ندارد، بلکه عمدتاً مبتنی بر التزام به نتیجه و ساختار نمایندگی حقوقی بوده و از حیث عناصر و آثار، به شدت متأثر از سایر عقود واسطه گری است. افزون بر این، حق العمل کاری، با وجود تشابهات فراوان با مفهوم نمایندگی و عقد وکالت، از سوی بیشتر حقوقدانان به عنوان یکی از انواع مهم واسطه های تجاری تلقی شده و غالباً در زمره عقود نیابتی معوض طبقه بندی می شود، هر چند برخی وجوه افتراق بنیادین، آن را از نمایندگی مطلق متمایز



می‌سازد. در بستر تاریخی توسعه تجارت و در پاسخ به ضرورت‌های ناشی از گسترش شهرنشینی و پیچیدگی مناسبات اقتصادی، بازرگانان ناگزیر به استمداد از خدمات اشخاص ثالث در قالب نهادهای واسطه‌گری شدند و بدین ترتیب، واسطه‌های تجاری چون دلال و حق‌العمل کار به صورت نهادی مستقل در حقوق ایران مورد شناسایی قرار گرفتند. قراردادهای واسطه‌گری تجاری مانند دلالی و حق‌العمل کاری، اگرچه در ایفای نقش واسطه مشابهت دارند، اما در مبانی حقوقی و آثار بلافصل خود تفاوت‌های قابل توجهی دارند؛ دلالی که مبتنی بر وساطت میان متعاملین است، از پیشنهادی کوتاه‌تر برخوردار بوده و قواعد آن پیش‌تر از طریق عقود بیع، اجاره، جعاله و وکالت پوشش داده می‌شد، تا اینکه مقررات خاص آن در قانون تجارت تصریح شد. با این حال، مقررات وضع شده کافی نبوده و هنوز بخش عمده‌ای از روابط دلال با طرفین معامله، مستلزم تفسیر و تطبیق با سایر نهادهای مزبور است. در سوی مقابل، حق‌العمل کاری مبتنی بر انجام معامله به نام خود و به حساب آمر، واجد خصیصه‌هایی است که آن را نزدیک به عقود معوض و نیابتی ساخته و امکان طبقه‌بندی آن را ذیل عقد وکالت یا نمایندگی، اما با وجوه خاص و استثنایی، فراهم می‌نماید. در این پژوهش، تلاش خواهد شد تا با رویکرد تحلیلی - توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، ضمن بررسی مبانی حقوقی و فقهی بحق‌العمل کاری و دلالی، شرایط، آثار، اجرت و مدت قرارداد، و نکات انقضای این نوع روابط تجاری با دقت تبیین گردد.

واژگان کلیدی: دلالی، حق‌العمل کاری، عاملی، آمر، واسطه تجاری



مقدمه

حق‌العمل کاری یکی از مهم‌ترین نهادهای واسطه‌گری در عرصه‌ی تجارت است که مطابق ماده ۳۵۷ قانون تجارت، عبارت است از شخصی که به اسم خود ولی به حساب آمر معامله نموده و در برابر آمر مسئول اجرای دستور او می‌باشد. این نهاد از حیث ماهیت حقوقی، واجد ویژگی‌های خاصی است که آن را از سایر انواع واسطه‌گری، از جمله دلالی، متمایز می‌سازد. در حق‌العمل کاری برخلاف عقد و کالت که اصل بر نیابت و انجام امور به نام و حساب موکل است، حق‌العمل کار رأساً و به نام خود وارد معامله می‌شود، اگرچه همه آثار اقتصادی و مالی معامله به حساب و در منافع و مضار آمر منظور می‌گردد. بدین ترتیب، حق‌العمل کار در قبال شخص ثالث طرف قرارداد، مسئولیت مستقیم پیدا می‌کند و تنها در روابط فی‌مابین خود و آمر است که آثار و نتایج معامله حسب مورد به آمر منتقل می‌شود. در مقایسه، دلالی بر اساس ماده ۳۳۵ قانون تجارت صرفاً به عنوان واسطه‌ی شناخت طرفین و نزدیک کردن آن‌ها به یکدیگر شناخته می‌شود و فاقد هرگونه مسئولیت اجرایی نسبت به تعهدات قراردادی طرفین است. بانک‌ها و مؤسسات مالی نیز مطابق ماده ۱ قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی مصوب ۱۳۸۳، گرچه واسطه‌ی بین منابع و متقاضیان وجوه محسوب می‌شوند، با این تفاوت که از طریق قراردادهای تجهیز و تخصیص منابع، خود مستقیم در قراردادهای دخالت می‌کنند و اغلب به عنوان یک طرف معامله محسوب می‌گردند. بنابراین، با لحاظ مفاد مواد قانونی مذکور، حق‌العمل کاری در کنار سایر اشکال واسطه‌گری، جایگاهی مستقل و اختصاصی داشته و نوع مسئولیت و کیفیت ایفای نقش واسطه در هر یک تفاوت اساسی دارد و، چنانکه دکترین نیز تأکید می‌کند، نسبت بین «حق‌العمل کاری» و «دلالی» و همچنین «واسطه‌گری بانکی» به لحاظ مفهومی، نسبتی از نوع تباین است.



همچنین، بر اساس مواد ۳۵۸ تا ۳۶۷ قانون تجارت، تکالیف متعدد و ویژه‌ای بر عهده‌ی حق‌العمل کار قرار داده شده است؛ حق‌العمل کار مکلف است دستورات آمر را اجرا و او را از جریان معاملات مطلع سازد و در صورت بروز نقص یا عیب در کالا، موضوع را گزارش داده و اقدامات لازم جهت حفظ کالا را به عمل آورد. وی جز در صورت صدور دستور خاص از طرف آمر، مکلف به بیمه کردن اموال نبوده و چنانچه کالای مورد معامله فاسدشدنی باشد، می‌تواند با اطلاع آمر آن را بفروشد. افزون بر این، هرگونه نفع حاصل از تفاوت قیمت معامله باید به آمر تعلق گیرد و رفتار خارج از حدود مقرر موجب مسئولیت وی خواهد بود. از این‌رو، حق‌العمل کاری به‌عنوان یک نهاد سازمان‌یافته‌ی واسطه‌گری در نظام حقوقی ایران، با پشتوانه مواد متعدد قانونی، جایگاهی بسزا و ضوابط حمایتی مشخص در عرصه‌ی معاملات تجاری یافته است.

۱- مرور مفاهیم ضروری

قطعاً دستیابی به درک صحیح از واژه‌ها نیازمند تعاریف آنها و مقایسه با مفاهیم مشابه است.

۱-۱ مفهوم دلالی و اقسام آن

مفهوم دلالی و اقسام آن یکی از مفاهیمی است که ابهامات بی شماری دارد. ما به بیان این ابهامات می‌پردازیم.

۱-۱-۱ مفهوم دلال

دلالی به عنوان یک تاسیس حقوقی در مآخذ فقهی ما و نیز در قانون مدنی مورد بحث قرار نگرفته است و می‌توان آن را از پدیده‌های نوظهوری که هم‌زمان با مفاهیم حقوق تجارت به



معنای اخص، وارد سیستم حقوقی ما شده است، دانست. وفق قانون تجارت، دلالی یک شغل است و دلال کسی است که در مقابل دریافت اجرت و دستمزد برای انجام معامله‌ای واسطه می‌شود یا طرف معامله پیدا می‌کند. (کامل و موسوی، ۱۴۰۰: ۲۳) با این مستند قانونی ما ماده ۳۳۵ قانون تجارت است که دلال را کسی می‌داند که در مقابل اجرت، واسطه‌ی انجام معامله شده و یا برای کسی که می‌خواهد معامله کند، طرف معامله پیدا می‌کند و تابع مقررات راجع به وکالت است. مطابق این ماده‌ی قانونی روابط دلال و آمر تابع مقررات وکالت دانسته شده و این مبین عقد بودن رابطه‌ی مذکور و نیز جایز بودن آن نسبت به طرفین است.

۱-۱-۲ انواع معاملات دلال

معاملات دلال دو نوع است. وی یا به حساب آمر و به نام خود معامله می‌کند و یا اینکه به نام امر و حساب وی انجام می‌دهد.

۱-۱-۲-۱ دلال به حساب آمر و به نام خود معامله انجام می‌دهد.

در صورتی که دلال را وکیل بدانیم، وفق ماده‌ی ۶۵۶ قانون مدنی، "وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید" و در نتیجه‌ی عقد وکالت، وکیل بجای موکل، امر مورد وکالت را انجام می‌دهد و از نظر حقوقی مانند این است که موکل خود، آن امر را انجام داده باشد. لذا فرقی نمی‌کند که دلال به حساب آمر و یا به حساب خود معامله کند. چرا که آنچه موجب تحقق معامله به نام وکالت است قصد وکیل می‌باشد و آن در هر دو فرضی که دلال سمت خویش را پنهان نماید که به حساب موکل یا خود معامله می‌کند، محقق است. (خلیلی جهرمی، ۱۳۹۸: ۱۸)



در واقع علت را باید در تفاوت نمایندگی و وکالت دانست. زیرا اگر وکیل به اسم موکل معامله نکند، وفق ماده ی ۱۹۶ قانون مدنی ظاهر معامله برای خود اوست. لذا وی به تنهایی در مقابل ثالث مسئول است، گرچه ممکن است بعداً خلاف ان اثبات شود. چرا که توافق بر اساس این صورت گرفته که نماینده ی ادعایی به عنوان طرف اصلی عقد پاسخگوی تعهدات ناشی از آن باشد و نمی توان او را به استناد قصد باطنی که در تراضی طرفین نیامده است، معاف از انجام تعهدات دانست. لذا وجود قصد انجام معامله برای دیگری، در صورت عدم تراضی، اثری در عقد ندارد و تعهد ناشی از آن از بین نمی رود.

۱-۲-۲ به نام و حساب آمر معامله انجام می دهد

در فرضی که حق العمل کار وکیل آمر بوده و با اطلاع وی، اقدام به معامله کرده، لذا وفق مقررات وکالت حق مراجعه به حق العمل کار را برای انجام تعهدات نخواهد داشت و باید به خود آمر مراجعه کند. آمر نیز متقابلاً می تواند نسبت به مورد معامله به این شخص مراجعه کند یا انجام آن را به حق العمل کار واگذارد. مستند سخن ما مواد ۳۷۳ و ۳۷۴ قانون تجارت است. (خردمندی، ۱۳۸۲:ص ۲۴۶) طرف معامله محسوب شدن حق العمل کار به واسطه ی آمر به این معناست که به هنگام معامله، حق العمل کار از طرف آمر با خود معامله کرده است. از این رو به واسطه ی روشن بودن نقش آمر در این معامله، وی حق مراجعه به حق العمل کار را نسبت به مورد معامله دارد که در این صورت حق العمل کار به عنوان مشتری یا فروشنده و به بیان دیگر بعنوان طرف معامله مورد مراجعه قرار می گیرد نه بعنوان حق العمل کار. (همان،



۱-۲ مفهوم حق العمل کاری

حق العمل در لغت به معنای «مزدکار، کارمزد، پولی که بابت فروش کالایی از صاحب کالا دریافت می‌شود» آمده است. (عمید، ۱۳۸۱: ص ۵۲۷) در قانون تعریفی جامع از حق العمل کاری دیده نمی‌شود، لذا ماده ی ۳۵۷ قانون تجارت چنین بیان داشته است: "حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت دارد." بر مبنای تعریف قانونگذار، نویسندگان حقوقی تعاریف متعددی را بیان داشته اند. برخی نظیر دکتر کاتوزیان "حق العمل کاری را قراردادی می‌دانند که به مقتضای آن، شخصی می‌تواند بعنوان نماینده تحت نام خویش اقدام به تصرفات قانونی و به حساب موکل خود نموده و در قبال خدماتی که انجام می‌دهد از اکیل، حق العمل دریافت دارد." (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ص ۵۴) برخی دیگر نظیر دکتر کاتبی، حق العمل کاری را انجام خرید یا فروش یا هر نوع عمل تجارتي با اخذ کارمزد به حساب دیگری و از طرف دیگری تعریف می‌کند. (کاتبی، ۱۳۸۲: ص ۲۷۲) دکتر عرفانی نیز، حق العمل کاری را نوعی قرارداد وکالت بیان می‌کند که حق العمل کار، عملیاتی اعم از مدنی یا تجاری بنام خود و به حساب موکل انجام می‌دهد. (عرفانی، ۱۳۸۳: ص ۵۰) لذا در یک جمع بندی می‌توان حق العمل کاری را قراردادی دانست که به موجب آن شخص حق العمل کار بعنوان نماینده، عملیاتی اعم از مدنی یا تجاری تحت نام خویش و به حساب شخص دیگر انجام داده و در قبال خدماتی که ارائه می‌دهد، کارمزد دریافت می‌دارد. بنابراین به نظر می‌رسد حق العمل کاری تنها در مرود معاملات تجاری نبوده و شامل کلیه ی معاملات می‌گردد. این بیان از مفهوم ماده ی ۳۵۷ قانون تجارت بدست می‌آید که مقنن کلمه ی "معاملات" را بصورت عام و مطلق بیان نموده و آنرا با قید و تخصیصی مقید نساخته است. لازم به ذکر است، در صورتی که حق العمل کاری



منحصر به اعمال بازرگانی بود نیاز بود به جای ذکر معاملات، عبارت، "معاملات تجاری" را قید می نمود. (کاتبی، ۱۳۵۷: صص ۲۰-۲۲)

اما در تکمیل مفهوم حق العمل کاری، ذکر وظایف حق العمل کار در تبیین موضوع ما را یاری گر خواهد بود. وظایف حق العمل کار بدین شرح است:

الف- انجام دستورات آمر.

ب- انجام معامله بنام خود.

ج- ذی نفع نبودن در معامله مگر در مورد ماده ۳۷۳ قانون تجارت.

ح- اطلاع به آمر.

د- وکالت از طرف آمر و رعایت امانت.

ذ- بیمه اجناس (ماده ۳۶۰ قانون تجارت).

ه- منظور کردن منافع معامله در حق آمر (ماده ۳۶۵ قانون تجارت).

ی- قبول مسوولیت در قبال انجام تعهدات در صورت انجام معاملات اعتباری (ماده ۳۶۶ قانون تجارت).

۱-۳ تفاوت حق العمل کاری و واسطه گری تجاری

مطابق بند ۳ ماده ۲ قانون تجارت، هرگونه فعالیت حق العمل کاری صراحتاً در زمره معاملات تجاری قرار گرفته است. با این حال، قانونگذار در مقررات راجع به حق العمل کاری، هیچ گونه



شرایط یا محدودیت خاصی برای اشتغال اشخاص به این حرفه قائل نشده و برخلاف دلالتی، تحصیل پروانه و اجازه‌ی ویژه‌ای را لازم ندانسته است. بدین ترتیب هر شخصی که از حیث قانونی، اهلیت تاجر بودن را دارا باشد، می‌تواند به فعالیت در زمینه حق‌العمل‌کاری مبادرت نماید. این ویژگی در حالی است که برخلاف حق‌العمل‌کار، دلال برای اشتغال به واسطه‌گری تجارتنی مستلزم اخذ مجوز و رعایت شرایط قانونی مقرر برای آن است که این تمایز، در تحلیل حقوقی نهادهای واسطه‌گری، از اهمیت برخوردار می‌باشد.

حق‌العمل‌کار در فرآیند معاملات تجاری، هرچند نقشی واسطه‌ای همچون دلال دارد، اما جایگاه حقوقی وی با دلال متمایز است. بدین معنا که دلال صرفاً معرف طرفین معامله بوده و نقشی در انعقاد قرارداد میان ایشان ندارد و در واقع، نماینده یکی از طرفین تلقی می‌شود؛ در حالی که حق‌العمل‌کار، شخصاً به نام خود وارد معامله شده و از این رو، مسئولیت حقوقی و قراردادی مستقیم در برابر طرف معامله خواهد داشت. افزون بر این، حق‌العمل‌کار نسبت به تعهدات ناشی از معامله‌ای که خود به عنوان متعامل پذیرفته است، حتی در صورت عدم تنفیذ یا عدم پذیرش آمر، مسئول قلمداد می‌شود. به عبارت دیگر، مسئولیت دوگانه حق‌العمل‌کار، هم در قبال طرف معامله و هم در برابر آمر، از ارکان اساسی این نهاد حقوقی به شمار می‌رود؛ وی علاوه بر انجام تعهدات تقبل شده در برابر طرف معامله، مکلف است آمر را از روند اجرای معامله مطلع ساخته و منافع یا محصول معامله را به او منتقل نماید. در خصوص دلالتی یا واسطه‌گری تجاری، باید گفت این قرارداد، در زمره عقود جایز قرار می‌گیرد که منشأ آن، التزام دلال به معرفی طرف معامله برای آمر و ارائه راهنمایی‌های لازم در جهت تحقق معامله است. دلال در مقابل انجام این خدمات، مستحق اجرت معین مندرج در قرارداد دلالتی خواهد



بود و عقد مذکور، حسب قواعد عمومی، با فوت، جنون، سفه یا اراده یکی از طرفین فسخ می‌گردد؛ مگر آنکه ترتیبات خاصی در قرارداد میان طرفین پیش‌بینی شده باشد. موقعیت قانونی دلال، به ویژه با توجه به نقش واسطه‌گری و مشاورت در انجام معاملات برای بازرگانان، تقویت‌کننده ساختار تسهیل و تنظیم فعالیت‌های بازار به شمار می‌آید. کارگزاران بورس و سایر بازارهای متشکل سرمایه نیز، از لحاظ نقض و تحلیل ماهوی، در زمره نهادهای واسطه‌ای شمرده می‌شوند که به موجب نظریات حقوقدانان، ممکن است نوع عمل آن‌ها در قالب دلالی، وکالت یا حق‌العمل‌کاری قابل تفسیر و تحلیل باشد؛ با این توضیح که با لحاظ مسئولیت این افراد در برابر ثالث، غالباً نظریه‌ی حق‌العمل‌کاری در تحلیل این روابط، مقبول‌تر شناخته شده است. (اخلاص، ۱۹۲:۱۴۰۲) در نهایت، تفاوت بنیادین میان نهاد «حق‌العمل‌کاری» و «واسطه‌گری تجاری» به معنای عام، در ماهیت حقوقی، نقش و حدود تعهدات و دایره مسئولیت حقوقی ایشان نهفته است. حق‌العمل‌کاری با برخورداری از اقسام و آثار مندرج در مواد ۳۵۷ تا ۳۷۶ قانون تجارت، یک نهاد خاص واسطه‌گری تجاری محسوب شده که حق‌العمل‌کار در آن، به نام خود و به حساب آمر معامله را منعقد نموده و از این حیث، خود طرف اصلی قرارداد به شمار می‌رود. در مقابل، عنوان کلی واسطه‌گری تجاری، مفهوم عامی است که شامل انواع کنش‌های واسطه‌گری اعم از دلالی، کارگزاری، نمایندگی و عاملیت می‌شود و بسته به نوع و حدود وظائف و نقش واسطه، آثار حقوقی متنوعی را به دنبال خواهد داشت. (شهیدی و جعفری خسروآبادی، ۲۸۹:۱۳۹۶) در واسطه‌گری‌های عام، واسطه اغلب فاقد نقش مستقیمی در انعقاد و اجرای قرارداد است یا شخصیت وی حتی برای طرفین ناشناخته باقی می‌ماند، اما در حق‌العمل‌کاری، شخصیت واسطه و مسئولیت دوگانه‌ی او در برابر طرف



قرارداد و آمر، وجه ممیزه‌ی اصلی شمرده می‌شود و این خصیصه، این نهاد را از سایر انواع واسطه‌گری تجاری، متمایز می‌سازد.

۲- ویژگی‌های حق‌العمل‌کاری

با عنایت به اهمیت بنیادین قانون حق‌العمل‌کاری در تنظیم روابط تجاری، مقررات خاص این حوزه از جمله منابع اساسی و اثرگذار در نظام حقوق تجارت به شمار می‌آید. قانونگذار در راستای انتظام‌بخشی به مناسبات میان حق‌العمل‌کار و آمر، با تدوین مقررات جامع و مدون، چارچوبی روشن را برای تعامل این دو گروه ترسیم نموده است. این مقررات با تعیین حقوق و تکالیف متقابل برای هر یک از طرفین قرارداد، علاوه بر حمایت از منافع مشروع آنان، موجبات شفافیت، نظم، و همچنین پیش‌بینی حدود و ثغور تعهدات طرفین را فراهم ساخته و نقش بسزایی در تقویت اعتماد فعالان اقتصادی و ارتقای امنیت حقوقی فضای تجاری دارد.

یکی از دستاوردهای مهم و مستقیم قانون حق‌العمل‌کاری، افزایش اطمینان و آرامش حقوقی برای طرفین قراردادهای حق‌العمل‌کاری است. وجود یک نظام قانونی صریح و مکتوب، به نحو مؤثری موجبات کاهش اختلافات و جلوگیری از بروز دعاوی پیچیده را فراهم آورده است. در پرتو اجرای صحیح و مؤثر این قانون، حق‌العمل‌کاران قادر خواهند بود با اطمینان بیشتری نسبت به اشتغال در فعالیت‌های تجاری و بازرگانی اقدام نمایند و از فرصت‌های متعدد و متنوع بازار بهره‌مند شوند، بدون آنکه دغدغه منازعات و ابهامات حقوقی، مانع از تحقق اهداف ایشان باشد. از دیگر آثار بارز قانون حق‌العمل‌کاری، می‌توان به نقش آن در ایجاد رقابت سالم و توسعه حرفه‌ای بین حق‌العمل‌کاران اشاره کرد. بدین توضیح که این قانون، با تبیین مقررات انتظامی، الزامات رفتاری و معیارهای حرفه‌ای، تمامی فعالان این حوزه را ملزم به



ارائه خدمت با استانداردهای مطلوب و رعایت انصاف و شفافیت در تعیین کارمزدها نموده است. این رویکرد، بی‌تردید موجبات ارتقای کیفیت خدمات، ترغیب مشتریان و ارتقای جایگاه اجتماعی و حرفه‌ای حق‌العمل‌کاران را فراهم می‌آورد و در نهایت به بهبود شاخص‌های رقابت‌پذیری بازار می‌انجامد. شایان ذکر است که آثار حمایتی قانون حق‌العمل‌کاری محدود و منحصر به تنظیم روابط میان آمر و حق‌العمل‌کار نبوده، بلکه گستره حمایت آن به بازارهای نوظهور، بنگاه‌های کوچک و متوسط و کارآفرینان جدید نیز تسری می‌یابد. این مقررات، با فراهم نمودن فضای امن حقوقی جهت ورود سرمایه‌گذاران جدید و کسب و کارهای نوپا، نقش مهمی در بسط توسعه اقتصادی، پایداری بازار و تضمین رشد بخش خصوصی ایفا نموده است. (طلایی، ۱۳۹۳: ۴۷) در مجموع، نظام حقوقی حاکم بر قراردادهای حق‌العمل‌کاری نه تنها موجب نظام‌مند شدن و شفافیت معاملات تجاری گردیده، بلکه با احاطه حمایتی خویش بر منافع طرفین قرارداد، بستری مستحکم برای ارتقای سلامت، پویایی و امنیت محیط‌های تجاری و اقتصادی فراهم ساخته است.

۲-۱ معاوضی بودن

معاوضی بودن یا غیر معاوضی بودن یکی از اوصاف عقود است. قانونگذار در ماده ۳۵۷ قانون تجارت قرارداد حق‌العمل‌کاری بعنوان عقدی معوض بیان شده، چرا که حق‌العمل‌کار معامله‌ی انجام گرفته را یا به نام خود و به حساب آمرانجام می‌دهد و پرداخت حق‌العمل‌کار از سوی آمر صورت می‌گیرد. (پات و باباجانی، ۱۳۹۶: ۶۹) لذا قرارداد حق‌العمل‌کاری عقدی معوض است و در ماده ۳۷۱ قانون تجارت، حق حبس را بعنوان یکی از آثار عقود معوض بیان کرده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۲۸)



۲-۲ عه‌دی بودن قرارداد

عقود عه‌دی، عقود هستند که ایجاد حق دینی و تعهد برای یک طرف در مقابل طرف دیگر یا برای هر یک از طرفین در مقابل طرف دیگر نمی‌نمایند. لذا با عنایت به ماده ی ۳۵۷ قانون تجارت، قرارداد حق العمل کاری، عقدی عه‌دی است، چرا که حق العمل کار در نتیجه ی انعقاد عقد با آمر متعهد می‌شود به نام خود و حساب دیگری معامله کرده و در مقابل آمر نیز متعهد به پرداخت حق العمل و اجرت قراردادی به وی است. لذا اثر مستقیم و اصلی قرارداد حق العمل کاری، ایجاد تعهد برای هر یک از طرفین عقد در قبال دیگری است و این قرارداد عقدی عه‌دی است. (الهی، ۱۳۹۱: ۸۱)

۲-۳ عقود مغابنه ای

عقود بر اساس هدف اقتصادی خویش، به دو دسته ی مغابنه ای و مسامحه ای تقسی می‌شوند. با توجه به اینکه قرارداد حق العمل کاری مستند به ماده ی ۲ قانون تجارت از اعمال تجرای ذاتی محسوب می‌شود و به مانند سایر اعمال تجاری دیگر، طرفین این قرارداد نیز در پی کسب سود و داد و ستد هستند، بنابراین حق العمل کاری، در شمار عقود مغابنه ای قرار گرفته است. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۲۷)

۲-۴ عقود اذنی و امانی

اذن و امانت، جزء آثار تبعی و فرعی قرارداد حق العمل کاری محسوب می‌شوند و تحقق صحیح این قرارداد در گرو وجود این دو مؤلفه است. حق العمل کار برای اجرای مفاد قرارداد و ایفای صحیح تعهدات خویش، نیازمند دریافت اذن از آمر جهت انجام معاملات است و نیز



لازم است اموال یا وجوه متعلق به آمر به عنوان امانت به او سپرده شود تا بتواند با توسل به این اذن و با تکیه بر جایگاه امانی خود، اقدامات معاملاتی لازم را به انجام رساند. از این رو، شمار قابل توجهی از نویسندگان حقوقی، قرارداد حق العمل کاری را با توجه به وابستگی بنیادین به اذن، ذیل عقود اذنی نظیر وکالت طبقه‌بندی نموده‌اند، چنان‌که جعفری لنگرودی نیز بر همین عقیده تأکید دارد. در میان عقود و قراردادهای رایج در حوزه حقوق تجارت، گروهی از قراردادهای—مانند دلالی، حق العمل کاری، عاملیت و نمایندگی تجاری را می‌توان مصداق عقود اذنی دانست؛ چراکه رکن اصلی این قراردادها، وجود اذن و اعتماد میان متعهد و اصیل است. این قراردادها از دیدگاه قانونگذار و نیز در رویه قضایی، همواره مبتنی بر اعتماد و امانت دانسته شده‌اند و به همین اعتبار، احکام و آثار اختصاصی عقود اذنی، از جمله مسئولیت امانی متعهد و لزوم رعایت حدود اذن، بر آنها بار می‌شود. بدیهی است هرگاه متعهد اقدامی فراتر از محدوده اذن انجام دهد یا وصف امانی عهد خود را نقض نماید، قرارداد یا تعهد ناشی از آن باطل یا حداقل غیرنافذ تلقی خواهد شد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹: ص ۲۱۲)

مطالعات تطبیقی انجام‌شده نشان می‌دهد که در نظام حقوقی انگلستان، قراردادهایی مانند نمایندگی و وکالت در قالب نهادهای امانی و مبتنی بر اذن مورد شناسایی قرار گرفته‌اند و بدین ترتیب، بسیاری از آثار مترتب بر عقود اذنی، ناظر بر روابط تجاری در آن نظام حقوقی نیز قابل اعمال است. در فقه امامیه، اگرچه نهادهای تجاری مدرن همچون حق العمل کاری واجد سابقه مستقلی نبوده‌اند، اما با استفاده از قواعد عام عقود اذنی و تحلیل وکالت، جعاله و سایر عقود مشابه، امکان تطبیق و پذیرش این نهادها ذیل عقود اذنی فراهم شده است. در نتیجه، میان



حقوق ایران و اصول فقهی، هماهنگی قابل ملاحظه‌ای در ماهیت و تحلیل حقوقی این گونه قراردادها وجود دارد. (صفایی و فلاحتی شهاب الدینی، ۱۴۰۲: ۸۹)

عقود اذنی، به دلیل پرکاربرد بودن در تعاملات اشخاص و تنوع مصادیق آن از جمله وکالت، عاریه و ودیعه، از اهمیت عملی و نظری بالایی برخوردارند. هرچند هر یک از این عقود ویژگی‌ها و آثار اختصاصی خود را دارند، اما جملگی تابع اصول و قواعد عمومی عقود اذنی‌اند؛ از جمله: وصف امانی مأذون که سبب معافیت وی از ضمان، مگر در صورت تعدی یا تفریط می‌شود؛ جایز بودن عقد و امکان فسخ توسط هر یک از طرفین در هر زمان؛ قابلیت تراضی در سلب حق فسخ؛ رضایی بودن عقد و عدم نیاز به تشریفات خاص جز ایجاب و قبول؛ و انحلال عقد در صورت فوت، جنون یا سفه طرفین، چنانچه اهلیت شرط باشد. این اصول، چارچوب حقوقی جامعی را برای تحلیل و اعمال آثار عقود اذنی، از جمله حق العمل‌کاری، در فقه و حقوق ایران فراهم ساخته‌اند.

۳- ماهیت قراردادهای حق العمل‌کاری

برخلاف دیدگاه غالب دکترین حقوقی که قرارداد حق العمل‌کاری را واجد ماهیت نمایندگی و وکالت می‌دانند، تحلیل دقیق ماهوی این نهاد نشان می‌دهد که تفسیر آن صرفاً در قالب عقد وکالت با واقعیت‌های حقوقی و عناصر اختصاصی حاکم بر این رابطه منطبق نیست؛ زیرا حق العمل‌کار با حفظ استقلال و به نام خود، ولی به حساب آمر، اقدامات معاملاتی را انجام داده و شخصاً متعهد در برابر طرف معامله می‌گردد، امری که در عقد وکالت به این صراحت و شدت وجود ندارد. در مقابل، برخی صاحب‌نظران با استناد به ویژگی‌های عملی و مقتضیات قراردادی خاص حاکم بر حق العمل‌کاری، آن را بیش از هر چیز، منتسب به ماهیت عقد اجاره



اشخاص دانسته‌اند که از جهات گوناگون از جمله وجود رابطه عهده‌ای، تعهد مبتنی بر انجام کار معین و دریافت اجرت در ازاء خدمت، با ساختار حقوقی حق‌العمل‌کاری سازگارتر و کارآمدتر است. البته در خصوص ماهیت حقوقی و تبیین دقیق این قرارداد، دیدگاه‌های متعددی نیز مطرح شده است، اما با لحاظ جمیع جهات و بررسی تطبیقی عناصر، می‌توان اذعان داشت که قرارداد حق‌العمل‌کاری واجد خصوصیتی مرکب است که اگرچه با نهاد وکالت و حتی نمایندگی تجاری مشابهت‌هایی دارد، لکن تحکیم تحلیل آن در چارچوب عقد اجاره اشخاص، مزایای تحلیل عملی بیشتری به همراه داشته و بر انطباق آن با نظام حقوقی ایران دلالت دارد.

۳-۱ عقد وکالت

علی‌رغم آنکه در نظریه سنتی و در بخش قابل توجهی از منابع دکتربین حقوقی ایران، عقد وکالت و قرارداد حق‌العمل‌کاری به سبب وجود برخی اشتراکات ساختاری، هر دو در زمره نهادهای مبتنی بر نیابت و نمایندگی محسوب می‌شوند، اما در تحلیل ماهوی نمی‌توان این دو را یکسان قلمداد کرد. اثر ذاتی و بنیادین عقد وکالت، تحقق رابطه نمایندگی و ایجاد نیابت برای وکیل است، به گونه‌ای که تمامی آثار قرارداد یا عمل حقوقی انجام‌شده توسط وکیل، به منصوب‌عنه یا مؤکِّل تسری می‌یابد و اصولاً وکالت بدون نیابت و نمایندگی فاقد معنی مستقل در نظام حقوقی ایران است. در عین حال، قرارداد حق‌العمل‌کاری به استناد ماده ۱۹۶ قانون مدنی نمونه‌ای استثنایی از این قاعده تلقی می‌گردد؛ زیرا حق‌العمل‌کار با وجود انجام اقدامات معاملاتی به وکالت از آمر، ولی به نام و حساب خود وارد قرارداد می‌شود و اثر حقوقی قرارداد مستقیماً برای شخص او ایجاد می‌گردد، نه آمر. با این حال، به موجب نص ماده ۳۵۸ قانون



تجارت، قانونگذار، حق‌العمل‌کاری را در رده وکالت و نمایندگی تجاری دانسته و از این منظر، تشبیه حق‌العمل‌کاری به وکیل نیز امری بلااشکال تلقی شده است. (عبادی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۶۱) در خصوص ویژگی‌های ید و اختیارات حق‌العمل‌کار نیز، باید خاطر نشان ساخت که گرچه اصل بر امانی بودن ید حق‌العمل‌کار همچون هر مأذون دیگری است و او در قبال اموال و وجوه آمر صرفاً در صورت تعدی یا تفریط مسؤول خواهد بود، مع‌ذلک به دلیل اقتضای ماهیت تجاری این نهاد، قانونگذار از قاعده عمومی عدول نموده و مطابق مقررات قانون تجارت، امکان بهره‌مندی حق‌العمل‌کار از حق حبس و تهاتر را به رسمیت شناخته است، امری که در خصوص متصدیان حمل و نقل و دلالتان نیز مصداق پیدا می‌کند و به آن‌ها حق می‌دهد تا در قبال مطالبات خویش از آمر، اموال یا وجوه مربوط را موضوع حق حبس یا تهاتر قرار دهند. این در حالی است که قانون مدنی در مقام وضع قاعده عمومی، صراحتاً وکیل را از حق حبس و تهاتر محروم نساخته و صرفاً امانی بودن ید وکیل را مقرر داشته است. (خلیلی، ۱۳۹۸: ۷۸) بنابراین تنها به استناد وصف امانی ید وکیل نمی‌توان او را از اعمال این حقوق محروم نمود و باید در هر مورد با توجه به ماهیت، موضوع و اقتضائات قرارداد و همچنین الزامات حرفه‌ای عمل کرد.

۳-۲ عقد اجاره

عقدی معوض که به موجب آن شخص در برابر اجرت معین ملزم به انجام کاری می‌شود را اجاره‌ی اشخاص یا خدمات می‌نامیم. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ص ۵۵۹) عقد اجاره‌ی اشخاص، عقدی است معوض، مغایه‌ای و لازم. همچنین این عقد با وجود اختلاف نظرانی که موجود است در خصوص عهده‌ی و تملیکی بودن، به نظر می‌رسد با توجه به تعهد و التزام به عنوان اثر



اصلی عقد، عهدی است. (صبحی کامل و سیفی، ۱۳۹۹: ۸۱) لذا به نظر می‌رسد اوصاف قرارداد حق العمل کاری و عقد اجاره‌ی اشخاص مشابه بوده و ماهیت حق العمل کاری اجاره‌ی اشخاص است. آمر همانند مقاطعه‌دهنده نتیجه‌ی مورد نظر را در قرارداد برای حق العمل کار ترسیم می‌نماید و حق العمل کار در انجام کار خویش همانند مقاطعه‌کار دارای استقلال اقتصادی و حقوقی است. (کاشانی، ۱۳۸۸: ص ۱۹۵)

۳-۳ عقد جعاله

حق العمل کاری که عبارت است از انجام معامله به نام خود و به حساب دیگری در مقابل دریافت حق العمل (اجرت)، طبق بند ۳ ماده ۲ قانون تجارت یکی از اعمال تجاری ذاتی است، با جعاله این تفاوت را دارد که مورد آن فقط وکالت یا نیابت در معاملات تجاری است در حالی که مورد جعاله هر کاری اعم از تجاری و غیرتجاری است و دامنه بسیار وسیعی دارد.

۳-۴ نمایندگی تجاری

قانونگذار در باب ۷۹ قانون تجارت، مصادیقی از نمایندگی تجاری را تحت عنوان حق العمل کاری، کمیسیون و قائم مقامی تجاری را بیان کرده است که در تقابل با جمع مواد ۳۵۷ و ۳۵۸ قانون تجارت موارد ذیل حایز اهمیت است.

الف- در ماده ی ۳۵۷ مقنن قبل از بیان مفهوم قرارداد حق العمل کاری ابتدا حق العمل کار را معرفی کرده و در تعریف حق العمل کار به لفظ کسی تعبیر نموده است. همچنین ماهیت حقوقی قرارداد حق العمل کاری را که مبین نوعی نمایندگی تجاری است بیان نمی‌کند. (کامل

و موسوی، ۱۴۰۰: ۱۰۲)



ب- قانونگذار در تبیین ماهیت قرارداد حق العمل کاری، آن را تابع مقررات عقد وکالت قانون مدنی قرارداده است. حال آنکه قالب عقد وکالت، نمی تواند ظرف مناسبی برای تحلیل ماهیت حقوقی قرارداد حق العمل کاری باشد چرا که از نظر ماهیت و روابط اطراف عقد، بین حق العمل کاری و وکالت تفاوت اساسی وجود دارد و شان نمایندگی و وکالت ایجاب می نماید به محض انعقاد قرارداد، شخصیت نماینده، به عنوان یک واسطه زائل شود و حقوق و التزامات ناشی از عقد، مستقیماً متوجه موکل گردد. در حالی که در قرارداد حق العمل کاری، تفاوت اساسی در این است که حق العمل کار، به دلیل افشا نشدن نام آمر، شخصاً در برابر ثالث پذیرای مسئولیت می گردد. (ایرانیورنجبر الوار علیا، ۱۴۰۰: ۱۰۹) لذا هیچ رابطه ی حقوقی مستقیم بین ثالث و آمر بر قرار نمی شود و به همین مبنا حق العمل کاری را جزء نمایندگی های تجاری با واسطه و غیر مستقیم می داند.

۴- انقضای قرارداد حق العمل کاری

با توجه به اینکه قانونگذار حق العمل کاری را تابع مقررات مربوط به وکالت دانسته است، لذا، به دلیل جایز بودن آن هر یک از طرفین می توانند آن را در هر زمان فسخ کنند و قرارداد مزبور در سایر موارد پیشینی شده در ماده ۶۷۸ قانون مدنی نیز خود به خود فسخ می شود.

لذا در قراردادهای حق العمل کاری معمولی بحث پیرامون موارد فسخ فایده عملی نخواهد داشت اما از آنجایی که در سطح تجارت خارجی قراردادهای حق العمل کاری معمولاً از نوع قراردادهای حق العمل کاری انحصاری بوده و مؤسسات حق العمل کار به وجه ملزومی برای مدتی معین یا تا پایان انجام معامله مانع فسخ یکجانبه قرارداد توسط آمران خود می شوند، (مرادی، ۱۳۹۴: ۴۷۸) بنابراین بحث پیرامون موارد فسخ و انقضای مدت قرارداد حق العمل



کاری، اختصاص به قراردادهای حق العمل کاری مدت دار خواهد داشت و موارد مزبور در ذیل بیان می شوند.

۵- شرایط معاملات حق العمل کاری

در نظام حقوقی ایران، معاملات حق العمل کاری دارای اشکال و صور متعددی است، به نحوی که گاه حق العمل کار علاوه بر ایفای نقش نیابت و انجام معامله به حساب آمر، خود نیز به عنوان شریک یا سهام در معامله حضور می یابد و در برخی موارد، ثالث تنها به اعتبار و وثاقت حق العمل کار مبادرت به انعقاد قرارداد می نماید. مقایسه میان نقش حق العمل کار، دلال، و مؤسسات مالی و اعتباری یا بانک ها، از حیث مقوله واسطه گری حائز اهمیت است. به موجب ماده ۳۳۵ قانون تجارت، دلال صرفاً واسطه ای در جهت انعقاد معامله محسوب می شود که طرفین را به یکدیگر معرفی نموده، بدون آنکه خود مستقیماً طرف قرارداد اصلی باشد؛ اما در ماده ۱ قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی مصوب ۱۳۸۳، نقش بانک ها و مؤسسات مذکور به عنوان واسطه وجوه، از طریق تجهیز منابع و تخصیص آن ها به متقاضیان وجوه تعریف گردیده که برخلاف دلالی، بانک ها رأساً وارد قراردادهای مالی شده و دارای مسئولیت و نقش فعال در جریانات مالی جامعه هستند. از این رو، هرچند در هر دو حالت لفظ “واسطه گری” به کار رفته است، اما مفاهیم حقوقی آن ها کاملاً متفاوت و به لحاظ منطقی میان این دو اصطلاح، نسبت تباین برقرار می باشد. بنابراین، به منظور جلوگیری از سوء تفاهات، شایسته است در وضع متون قانونی، از اصطلاحات دقیق تر و تخصصی تر متناسب با نقش موردنظر استفاده گردد.



حق‌العمل کار در انجام وظایف خود ملزم است کلیه‌ی دستورالعمل‌هایی که از سوی آمر یا شرکت صادر می‌شود را آنگونه که مقررات و قرارداد معین ساخته‌اند، رعایت نماید. این دستورات ممکن است ماهیت آمرانه و الزامی داشته باشند یا اختیاری و ارشادی باشند. مهم‌ترین تکالیف قانونی که بر عهده‌ی حق‌العمل کار بار شده است، الزام به انجام معاملات به نام خود (مگر در موارد استثنایی)، اطلاع‌رسانی به شرکت در خصوص جریان عملیات و معاملات، رعایت امانت‌داری نسبت به کالا و اعلام وضعیت کالای معیوب (ماده ۳۶۱ قانون تجارت)، عدم الزام به بیمه نمودن موضوع معامله مگر به دستور آمر (ماده ۳۶۰)، و همچنین مسئولیت در برابر وقوع زیان ناشی از عدم رعایت دستورات آمر (ماده ۳۶۴) هستند. علاوه بر این، در مواردی که امکان فساد سریع کالا وجود دارد، وی حسب ماده ۳۶۲ مجاز است با اطلاع یا موافقت آمر، کالا را به فروش رساند تا از ورود خسارت جلوگیری شود. در مواردی نیز اگر حق‌العمل کار کالایی را به قیمتی کمتر یا بیشتر از قیمت مورد نظر آمر معامله نماید، منافع ناشی از تفاوت قیمت متعلق به آمر است و حق‌العمل کار مکلف به پرداخت یا احتساب آن به حساب آمر می‌باشد (مواد ۳۶۳ و ۳۶۵). (سنجری و دیگران، ۱۳۹۸:۲۹۹)

همچنین حق‌العمل کار نسبت به التقید به شرایط بیع و اوضاع و احوال معامله، مسئولیت‌های مستقلی دارد. طبق ماده ۳۶۶، وی مجاز نیست بدون رضایت صریح آمر مبادرت به فروش نسبه یا اقساطی نماید و در صورت ورود خسارت، مسئول جبران خسارات خواهد بود، مگر آنکه آمر قبلاً به چنین امری رضایت داده باشد. متقابلاً، حسب ماده ۳۶۷ قانون تجارت، حق‌العمل کار هیچ‌گونه تعهدی در قبال پرداخت وجوه از جانب طرف معامله ندارد و مسئولیت اصلی وی صرفاً اجرای دستورات آمر و حفظ منافع اوست، مگر به موجب توافق خلاف یا



شرط ضمن عقد. (انجم شعاع و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۹۱) بنابراین، مجموعه‌ی الزامات و اختیارات مقرر برای حق‌العمل کار، ضمن تبیین مرزهای مسئولیت و حقوق وی، موجبات حمایت از منافع آمر در فرآیند انجام معاملات تجاری را فراهم آورده است.

۵-۱ حق‌العمل کار با آمر سهیم است

حق‌العمل کار ممکن است در مالکیت مال التجاره و منافع حاصله سهیم باشد. در قراردادهای حق‌العمل کاری، علاوه بر اجرت حق‌العمل کاری مقطوعی که برای وی در نظر گرفته شده است، در صد معینی از منافع حاصل از فروش نیز برای حق‌العمل کار منظور می‌گردد. نمونه‌ی این موارد را در قراردادهای حق‌العمل کاری خدماتی گمرکی مشاهده می‌کنیم. در این گونه قراردادهای، به سبب ذی‌سهم بودن حق‌العمل کار در منافع حاصله، در صورت عدم انجام تعهد توسط آمر یا بروز فساد در معامله، مسئولیت جبران خسارت احتمالی طرف دیگر معامله متوجه حق‌العمل کار نیز خواهد بود و به عبارتی مسئولیت آمر و حق‌العمل کار تضامنی است. (قربانی، ۱۳۹۹: ص ۸۵)

با استناد به ماده‌ی ۳۴۶ قانون تجارت به نظر می‌رسد این قبیل معاملات گذشته از ضمان آور بودن آنها برای دلالتان، واجد عنوان جزایی نیز هست.

۵-۲ ثالث به اعتبار حق‌العمل کار معامله کرده است

یکی از وظایف حق‌العمل کاران، بازاریابی و فروش کالاهای تولیدی شرکت‌های تجاری است. برخی از این شرکت‌ها، نمایندگی انحصاری کالاهای تولیدی خود را در بازارهای جهانی به اشخاص حقیقی و یا حقوقی واگذار می‌کنند. این نمایندگی‌ها، وظیفه‌ی معرفی



محصولات و پیدا کردن مشتری را دارند. هرچند عنوان این قبیل اشخاص، نمایندگی است منتها به دلیل اینکه ماهیت کاری که برای آمر خود انجام می دهند واسطه گری است، لذا مقررات مربوط به دلالتی بر روابط آنها حاکم است.

در این گونه معاملات موسسات نمایندگی پس از پیدا کردن مشتری برای خرید کالای معین، از شرکت آمر یا شرکت اصلی پیش فاکتور دریافت می کنند. در این گونه معامله ها، موسسات وفق ماده ی ۳۴۳ قانون تجارت، ضامن اعتبار آمر و اجرای معاملات صورت گرفته نیستند و حق العمل کار وفق ماده ی ۳۴۲ قانون تجارت نسبت به تعهدات ناشی از معامله صورت گرفته متعهد بوده تا در صورت عدم اجرای تعهدات فروشنده ی خارجی و فساد در معامله، بتواند جبران خسارت وارده را از دلال بخواهد. (همان) در واقع حق العمل کار طبق ماده ی ۳۴۵ قانون تجارت ضامن کشف فساد در معامله ی انجام شده با فروشنده و تعهدات وی خواهد بود.

۶- حقوق و اجرت حق العمل کار

حق العمل کار در برابر انجام معاملات سفارش شده از سوی آمر و هزینه های ملزومه ی موضوع حق العمل کاری، حقوق ذیل را مستحق است:

الف- در صورتی که حق العمل کار جهت انجام معامله هزینه هایی را برای معامله و به نفع آمر پرداخته باشد، وفق ماده ی ۳۶۸ قانون تجارت می تواند علاوه بر اصل، منفعت آن را نیز دریافت کند. چرا که وی به دستور آمر رفتار کرده و نتایج معامله نیز متوجه آمر است. پس باید هزینه های حق العمل کار را بپردازد. اما در صورتی که شرط کرده باشند که حق العمل



کار مخارج انجام معامله را خودپردازد، پس از آن وی حق رجوع به آمر را نخواهد داشت.
(خان محمدی و دیگران، ۱۴۰۳:۲۴۴)

ب- حق العمل کار در مقابل کاری که انجام می دهد مستحق دریافت اجرت المثل است. در صورتی که وی نتواند معامله را به انجام برساند و عدم اجرا مستند به فعل آمر باشد، همچنان حق العمل کار مستحق دریافت اجرت خواهد بود. اما در صورتی که برخی از امور نظیر ممنوعیت مورد معامله از سوی دولت، یا سایر موارد فورس مازور اتفاق افتد و انجام معامله را غیر ممکن کند، حق العمل کار مستحق اجرتی است که عرف و عادت محل برای اقدامات صورت گرفته تعیین می نماید. این موضوع از ماده ی ۳۶۹ قانون تجارت قابل استفاد است. (همان)

۷- انقضای قرارداد حق العمل کاری

انقضای قرارداد حق العمل کاری ممکن است به دلایل مختلفی صورت گیرد. در ذیل به بررسی این دلایل می پردازیم.

۷-۱ تمام شدن مدت

در صورتی که قرارداد فاقد مدت بوده باشد، لیکن مقید به پایان انجام معامله باشد و دلال ظرف "مهلت معقولی" نتوانسته باشد مقدمات انجام معامله ی مزبور را فراهم کند، قرارداد دلالی فسخ شده تلقی می گردد. اما سوالی که پیش می آید این است که مهلت معقول برای انجام معاملات حق العمل کاری چقدر است؟



به نظر می‌رسد برای انقضای مدت قراردادهای حق العمل کاری، بر حسب نوع معامله شرایط متفاوت است. برای مثال در قرارداد حق العمل کاری خدماتی - ملکی میان صاحب ملک و حق العمل کار جهت فروش منزل، آمر به حق العمل کار سه ماه فرصت می‌دهد. (ادیان، ۱۳۹۴: ۷۱) در صورت عدم انجام مورد خواسته شده در این مدت با انقضای مدت قرارداد خود به خود منتفی می‌شود.

۲-۲ تغییر شرایط و انحلال قرارداد

در برخی از قراردادها آمر شخصاً معامله را انجام می‌دهد و این اقدام آمر، سبب اتمام و فسخ معامله ی حق العمل کاری می‌شود. در واقع تنظیم و انعقاد قرارداد انحصاری آمر با حق العمل کار موجب نفی اختیار آمر در انعقاد شخصی معامله نخواهد شد. با توجه به اینکه قرارداد حق العمل کاری مشابه قرارداد وکالت است و در عقد وکالت علی‌رغم آنکه موکل به دلیل خاصی از عزل وکیل منع شده باشد، شخصاً می‌تواند معامله ی مطروحه را انجام دهد و انجام موضوع قرارداد توسط آمر، سبب انفساخ قرارداد می‌گردد. (اسکینی و دل افروز، ۱۳۹۰: ۳۷۸)

همچنین در صورتی که قبل از انجام معامله و پس از انعقاد قرارداد، مورد معامله از بین برود، قرارداد فی مابین حق العمل کار و آمر منتفی خواهد شد.

۳-۲ تخلف حق العمل کار

در صورتی که حق العمل کار موارد صداقت و امانت را نسبت به قرارداد و آمر رعایت نکند، علاوه بر اینکه قرارداد پایان می‌پذیرد، بلکه امر نیز می‌تواند خسارت وارده به خویش را به دلیل انجام اقدامات غیر قانونی وی درخواست کند. (مرادی عسکری، ۱۳۹۴: ۹۰) برای مثال در



قرارداد حق العمل کار مابه التفاوت قیمت تعیین شده با آمر را برای خود برداشته و مبلغ کمتری را به آمر پرداخته است.

نتیجه گیری

در این پژوهش، ضمن بررسی مفهومی و تطبیقی قراردادهای حق العمل کاری و واسطه گری تجاری در حوزه واسطه‌های تجاری، نتایج متعددی حاصل شد. نخست آنکه حق العمل کاری، به عنوان یک نهاد دیرینه و رایج در نظام حقوقی ایران، جایگاه ویژه‌ای در باب هفتم قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ یافته است. قرارداد حق العمل کاری از حیث ماهیت و بر اساس ظاهر ماده ۱۹۶ قانون مدنی، مصداقی از وکالت تلقی می‌شود؛ چراکه حق العمل کار به نام خود و به حساب آمر اقدام به انعقاد معامله می‌نماید و آثار قرارداد، مستقیماً متوجه آمر خواهد بود. در مقابل، دلالتی عقدی است که طی آن دلال در ازای دریافت اجرت، متعهد به معرفی طرف معامله متناسب با شرایط برای آمر می‌گردد و این فعالیت، ذاتاً تجاری بوده و تابع مقررات خاص خود است؛ به گونه‌ای که تاجر بودن دلال مستلزم اشتغال مستمر او به این حرفه است و در عین حال دلالتی هرچند فعالیتی تجاری است، از منظر ماهوی، نوعی قرارداد وکالت با ماهیت تجاری محسوب می‌گردد که قانونگذار نیز آن را ذیل اصول و قواعد وکالت سامان داده است. در ادامه، توجه به نقاط تمایز میان دلالتی و حق العمل کاری ضروری می‌نماید، چراکه هر یک گرچه نمونه‌ای از واسطه‌گری تجاری محسوب می‌شوند اما تفاوت‌هایی اساسی از حیث نقش، مسئولیت و آثار دارند. شایان ذکر است که قرارداد حق العمل کاری با توجه به برخی اوصاف مشترک با عقد اجاره اشخاص، برخی شباهت‌ها با قرارداد اجاره پیدا می‌کند. با این حال، مهم‌ترین تمایز این دو نوع قرارداد، در بعد غیر تجاری حق العمل کاری نهفته است؛



چراکه دلالتی ذاتاً تجاری قلمداد می‌شود اما حق‌العمل کاری می‌تواند در برخی موارد صرفاً جنبه تجاری نداشته باشد و از این حیث، دامنه شمول آن وسیع‌تر است. از منظر فقهی نیز، دلالتی در زمره تجارت قرار گرفته و گرچه دارای احکام خاص است اما به عنوان عقدی مستقل مورد شناسایی قرار نگرفته و غالباً در قالب عقود نظیر اجاره، بیع، جعاله و وکالت مطرح می‌گردد. در حقوق موضوعه ایران، مقررات دلالتی به طور مستقل در قانون تجارت آمده اما همچنان ماهیت آن نزدیک به عقد وکالت باقی مانده است. به علاوه، مصادیق عملی متعددی از دلالتی همانند کارگزاری بورس، کارگزاری بیمه و مشاوره املاک و خودرو تحت شمول مقررات موضوعه قرار گرفته‌اند، هرچند نمی‌توان ماهیت دلالتی را به طور کامل از وکالت جدا دانست؛ بلکه بسیاری از مسئولیت‌های دلال بر مبنای تعهد به نتیجه و در قالب وکالت مشروط تعریف می‌شود. در نهایت، حق‌العمل کاری با نمایندگی تجاری تفاوت ماهوی دارد اما می‌توان آن را گونه‌ای از نمایندگی تجاری با واسطه محسوب کرد. این قرارداد، به واسطه ایجاد ارتباط حقوقی میان اصیل و شخص ثالث، مشابه نهاد نمایندگی است و از قواعد مربوط به معاهدات معوض، لازم و مغایه‌ای تبعیت می‌کند. مدت و میزان اجرت در این نوع قرارداد، مبتنی بر توافق طرفین بوده و مشمول مفاد قرارداد خواهد بود. قانون تجارت در تعریف و تنظیم قرارداد حق‌العمل کاری، هیچ گونه محدودیت خاصی برای اشخاص واجد اهلیت قائل نشده و هر فردی که شرایط تجارت را داشته باشد، می‌تواند مبادرت به انجام فعالیت‌های حق‌العمل کاری نماید.



پیشنهادهای

به منظور ارتقای شفافیت و کارآمدی روابط تجاری، پیشنهاد می‌شود یک سامانه جامع ثبت و ارزیابی واسطه‌های خدمات تجاری از جمله حق‌العمل کاران، دلالتان و سایر فعالان حوزه‌ی واسطه‌گری تحت نظارت و مدیریت اتاق بازرگانی و با همکاری نهادهای ذی‌ربط ایجاد گردد. این سامانه با هدف احراز هویت، اعتبارسنجی حرفه‌ای، و ارائه نمره اعتباری واسطه‌ها، موجبات اعتماد بیشتر فعالان اقتصادی به استفاده از خدمات مؤسسات واسطه‌ای رسمی و کاهش دعاوی ناشی از تخلفات احتمالی را فراهم می‌آورد. همچنین این سازکار می‌تواند به ایجاد بانک اطلاعاتی از سوابق و عملکرد واسطه‌ها منجر شده و مسیر شفافیت بیشتر معاملات تجاری را هموار کند.

پیشنهاد دوم، اصلاح و به‌روزرسانی مقررات مربوط به واسطه‌های خدمات تجاری و تعیین استانداردهای حرفه‌ای حداقلی برای ورود و فعالیت در این حوزه است. تدوین دستورالعمل‌های انضباطی، تعهد به آموزش مستمر واسطه‌ها و وضع صلاحیت‌های شغلی لازم، می‌تواند به ارتقای جایگاه حقوقی و حرفه‌ای این گروه در بازار منتهی گردد. این اقدامات علاوه بر حمایت از حقوق آمرین و طرفین معاملات، موجب کاهش اختلافات حقوقی، افزایش مسئولیت‌پذیری واسطه‌ها، و نهایتاً رشد و توسعه تجارت داخلی و خارجی کشور خواهد شد.



منابع و مآخذ

الف) کتب

۱. خردمندی، سعید (۱۳۸۲)، وکالت در حقوق تجارت و تطبیق آن با فقه، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۲. امامی، حسن (۱۳۷۷)، حقوق مدنی فجلد اول، انتشارات اسلامیه مهر، چاپ نوزدهم، تهران
۳. پات، یوسف و باباجانی، زهرا (۱۳۹۶) بررسی تطبیقی حق العمل کاری در قانون تجارت با لایحه تجارت، انتشارات قانونیار، تهران.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۹)، حقوق تعهدات، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، تهران.
۵. حائری شاه باغ، سیدعلی (۱۳۸۲)، شرح قانون مدین، جلد اول، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم.
۶. ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۰) حقوق تجارت، تهران، نشر دادگستر، چاپ چهارم، ج ۴.
۷. عمید، حسن (۱۳۸۱) فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و دوم.



۸. کاتبی، حسینقلی (۱۳۸۲)، حقوق تجارت، کتابخانه گنج دانش، چاپ دهم
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم.
۱۰. کاشانی، محمود (۱۳۸۸)، حقوق مدنی، قراردادها، ویژه، نشر میزان، چاپ اول، تهران، تابستان.
۱۱. کامل، حمید و موسوی، سید محمود (۱۴۰۰) حقوق نمایندگی تجاری، انتشارات کتابکده ارشید، تهران.
۱۲. الهی، سرج الدین (۱۳۹۱) حق العمل کاری در حقوق ایران، انتشارات مانا طائب، تهران.

ب) مقالات

۱. اخلاص، مسعود (۱۴۰۲) بررسی مقایسه حقوقی واژه دلالتی با عقد جعاله، اجاره اشخاص، وکالت و حق العمل کاری، نشریه قانون یار، دوره ۷، شماره ۲۶، تابستان.
۲. اسکینی، ربیعا و دل افروز، بهنام فرید (۱۳۹۰) ساختار و ماهیت حقوق حق العمل کاری، نشریه حقوقی دادگستری، بهار، شماره ۷۳.
۳. ایرانی، سیامک و رنجبر الوار علیا، رضا (۱۴۰۰) بررسی ماهیت قواعد عمومی عقود اذنی در نظام حقوقی ایران و فقه شافعی، نشریه تحقیقات حقوقی ازاد، دوره ۱۴، شماره ۵۱، بهار.



۴. خان احمدی، محدثه و دیگران (۱۴۰۳) ماهیت حقوقی قراردادهای حق العمل کاری، قائم مقامی تجاریفمدیریت شرکت های تجاری و مصایق ان در حقوق تجارت ایران، اولین همایش ملی تاثیر متقابل حقوق بین الملل و حقوق داخلی در توسعه قوانین.
۵. سنجری، شهریار و دیگران (۱۳۹۸) بررسی تعهدات حق العمل کار و امر در معاملات حق العمل کاری محصولات کشاورزی، نخستین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه.
۶. شهیدی، سید مرتضی و جعفری خسروآبادی، نصرالله (۱۳۹۶) ماهیت فقهی-حقوقی عمل کارگزاری در معاملات بورسی، نشریه دانشنامه حقوق اقتصادی، پاییز و زمستان، شماره ۲.
۷. صبحی کمال، ابوالفضل و سیفی، غلامعلی (۱۳۹۹) مقایسه اجاره اشخاص با قراردادهای کار، جعاله و مقاطعه کاری در حقوق ایران و فقه اسلامی، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، بهار، شماره ۲.
۸. صفایی، سید حسین و فلاحتی شهاب الدینی، علی (۱۴۰۲) عقود اذنی تجاری، مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و نظام های حقوقی ایران و انگلیس، نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۱۰، شماره ۴، زمستان.
۹. عبادی، محمد و دیگران (۱۴۰۱) تبیین فقهی و حقوقی حق العمل کاری و مقایسه ان در مذاهب خمس، نشریه جامعه شناسی سیاسی ایران، دوره ۵، شماره ۹، اذر.



۱۰. قربانی، عارف (۱۳۹۹) ماهیت قرارداد حق العمل کاری، سومین کنفرانس حسابداری و مدیریت.

۱۱. مرادی عسکری، فائزه (۱۳۹۴) بررسی تطبیقی حق العمل کاری در قانون تجارت و لایحه تجارت، دومین همایش ملی عدالت، اخلاق و فقه و حقوق.

ج) پایان نامه ها

۱. ادیبان، فاطمه (۱۳۹۴) حق العمل کاری با نگاهی به لایحه جدید قانون تجارت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، به راهنمایی دکتر احمد تاجی.

۲. خلیلی جهرمی، رضا (۱۳۹۸) ماهیت و کارکرد فقهی و حقوقی عقود ناظر بر خدمات در قانون تجارت (حق العمل کاری، قرارداد حمل و نقل، قرارداد ارفاقی) پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الهیات و معارف اسلامی واحد شیراز.

۳. طلایی، طاهره (۱۳۹۳) واسطه گری تجاری در فقه و حقوق موضوعه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه فردوسی مشهد، به راهنمایی دکتر عباسعلی سلطانی.



چ) اینترنت

۴. انجم شعاع، سها و فرحبخش، مریم و عسکری، سجاد، ۱۴۰۱، نسبت مفهومی عملیات بانکی و دلالتی، همایش ملی مطالعات بنیادین فقهی، حقوقی؛ نظریه‌ها، رویکردها،

چالش‌ها، مشهد، <https://civilica.com/doc/۱۶۶۱۱۲۵>

۵. خان احمدی، محدثه و سبزه، فاطمه و اسمعیلی، حمیدرضا، ۱۴۰۳، ماهیت حقوقی قراردادهای حق العمل کاری، قائم مقامی تجاری، مدیریت شرکت‌های تجاری و مصادیق آن در حقوق تجارت ایران، اولین همایش ملی تاثیر متقابل حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی در توسعه قوانین، <https://civilica.com/doc/۲۰۸۸۹۲۰>